

اسلام به روایت سید حسین نصر

است که اساس تنها دین، یعنی توحید، را نهاد. بدینسان پیام اسلام چیزی نیست جز پذیرش خدای یگانه و تسلیم شدن بدو، که به سلام آرامش می‌انجامد. برای مسلمان شدن، کافی است که شخص شهادتین (شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت محمد [ص]) را در حضور دو مسلمان بر زبان آورد. کلمه «الله» که در نخستین شهادت به کار می‌رود نه به خدای یک قبیله یا قوم، بلکه به خدای متعالی و برین اشاره دارد. در واقع توحید بنیاد اساسی تمامی تعالیم اسلامی است. با این همه، تأکید بسیار زیاد اسلام بر یگانگی نه می‌توانست از اختلاف در امان بماند و نه این دین می‌توانست تعالیم خود را در میان گروه‌های مختلف و گوناگون توسعه دهد، بدون اینکه تفاسیر مختلف از خود را برتابد. مسلمانان به طور کلی به یکی از این سه گروه تعلق دارند: سنیان، شیعیان و خوارج. خوارج که همواره از حیث شمار اندک بوده و هم اکنون فقط در عمان و جنوب الجزایر باقی مانده‌اند کسانی‌اند که هم خلافت علی و هم معاویه را (که در جای خود بدان خواهیم پرداخت) رد می‌کنند.

مهمترین تقسیم در میان مسلمانان، میان سنیان و شیعیان به وجود آمده است. اکثریت مسلمانان، حدود ۸۷ یا ۸۸ درصد، را سنیان اهل السنة و الجماعة، به معنای پیروان سنت پیامبر و اکثریت - ۱۲ یا ۱۳ درصد باقیمانده را شیعیان - شیعه علی. به معنای طرفداران علی - که خود به شیعیان دوازده امامی، اسماعیلیان و زیدیان تقسیم می‌شوند، تشکیل می‌دهند. شیعیان دوازده امامی، یا اثنا عشری، دارای بیشترین جمعیتند که با حدود ۱۳۰ میلیون نفر اغلب در ایران، عراق، لبنان، خلیج فارس، شرق عربستان سعودی، افغانستان، آذربایجان، پاکستان، زندگی می‌کنند. اسماعیلیان نقش مهمی در تاریخ اسلام ایفا کرده و خلافت خاص خود را در دوران فاطمیان در قرون چهارم / دهم و پنجم / یازدهم در مصر برقرار ساخته‌اند. آنان اکنون در جوامع مختلف پراکنده‌اند: اغلب در پاکستان و هند، اما همچنین با تمرکزهای قابل توجه در شرق افریقا،

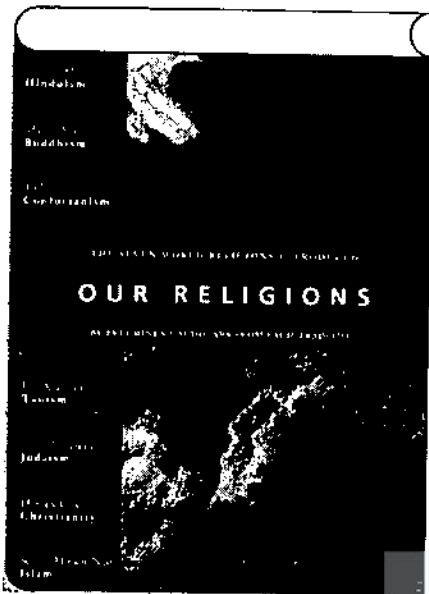
فصل هفتم کتاب ادیان ما، که به معرفی اسلام می‌پردازد، به طور کلی در ۱۲ بخش بدین ترتیب سامان یافته است: اسلام چیست؟ جهان اسلام، اسلام به مثابه دین، بنیادهای اسلام، آموزه‌ها و عقاید اسلامی، ابعاد اسلام، اعمال و نمادهای اسلامی، تاریخ اسلام، مکاتب فکری اسلامی و تاریخ آنها، اسلام در جهان معاصر، اسلام و دیگر ادیان و اهمیت معنوی دین اسلام برای بشریت امروز. این بخش‌های اصلی مجموعاً ۶۰ عنوان فرعی را در خود جای داده‌اند.

• نخستین بخش با اشاره به اینکه صرفنظر از نتایج خاصی که بر خورد چندین ساله میان اعراب و اسرائیل، انقلاب ایران، فروپاشی شوروی و ایجاد جمهوری‌های مسلمان، و مشاهده روزافزون نامهای اسلامی در صفحات مجلات امریکایی می‌تواند در پی داشته باشد، نام و حقیقت اسلام در غرب به طور مؤثر جلوه‌گر شده و بازتابهای خاصی ایجاد کرده است، بازمی‌گوید که این امور اهمیت شناخت اسلام را نه تنها بدان سبب ضروری می‌سازد که این دین دیدگاه بیش از یک میلیارد نفر - از چشم آبی‌های اسلاو و بربر گرفته تا سیاهان - از اعراب تا مالاییها، و از ترک‌ها و فارس‌ها تا چینی‌ها - را شکل می‌دهد، بلکه بدان جهت که اسلام و تمدن آن نقشی بسیار بزرگتر از آنچه معمولاً بدان اعتراف می‌شود در پیدایش و رشد تمدن اروپایی (و در پی آن امریکایی) داشته‌اند و مسلمانان هم اکنون دومین جامعه بزرگ دینی در اروپا به شمار می‌روند و یا در امریکا نیز دارای جمعیتی تقریباً به اندازه جمعیت یهودیانند از همه مهم‌تر اینکه اسلام، سومین و آخرین وحی الهی در گردونه توحید ابراهیمی است که پیش از آن یهودیت و مسیحیت را به جهان عرضه کرده بود.

اسلام خود را به عنوان آخرین وحی برانسان‌ها معرفی می‌کند و به همین جهت پیامبر اسلام «خاتم پیامبران» خوانده شده است. این دین خود را آخرین حلقه و سلسله نبوت می‌بیند که ابتدای آن آدم نه فقط به‌عنوان ابوالبشر بلکه به مثابه نخستین پیامبر الهی

کتاب «ادیان ما»، ویراسته آرویند شرما، در هفت فصل به معرفی هفت آیین بزرگ جهان می‌پردازد: آیین هندویی (نوشته آرویند شرما Arvind Sharma)، آیین بودا (نوشته ماسونوایب Masao Abe)، آیین کنفوسیوس (نوشته تو وی مینگ Tu wei-ming)، آیین تائو (نوشته لیو زیائوگان Liu Xiaogan)، یهودیت (نوشته یاکوب نوستر Jacob Neusner)، مسیحیت (نوشته هاروی کاکس Harvey Cox)، و اسلام (نوشته سید حسین نصر Seyyed Hossein Nasr). آنچه این کتاب را از دیگر کتب مشابه متمایز می‌سازد این نکته مهم است که هر آیین توسط فردی صاحب‌نظر و در عین حال مؤمن به همان آیین معرفی شده است. سرآغاز کتاب، این جملات و.ب. کریستنسن (W.B. Kristensen) است که: «فراموش نکنیم که هیچ واقعیت دینی جز باور مؤمن بدان دین وجود ندارد. اگر واقعاً می‌خواهیم دین را درک کنیم باید منحصرأ به شهادت این مؤمن رجوع کنیم. آنچه در باب ماهیت یا ارزش دیگر ادیان از دیدگاه خود معتقد می‌شویم شهادتی معتبر برای اعتقاد خود ما، یا درک خود ما از ایمان دینی است؛ اما اگر نظر ما در باب دینی دیگر با نظر و ارزیابی مؤمنان بدان دین متفاوت باشد دیگر درباره دین آنان سخن نمی‌گوییم. ما از واقعیت تاریخی کناره گرفته و فقط دلمشغول خود شدایم» (IX)، شرما در مدخل کتاب می‌گوید: «شاید هیچ کتابی در باب ادیان جهان نتواند آخرین یا نهایی باشد، اما می‌تواند بی‌همتا باشد. این کتاب چنین است. این کتاب به چند وجه بی‌همتا است. بی‌همتا است چون هر نویسنده به همان سنتی تعلق دارد که در باب آن می‌نویسد. او نه تنها از سنت خویش سخن می‌گوید؛ بلکه حضورش در صحنه او را قادر می‌سازد تا به سود سنت خود سخن راند. به علاوه، ایستاده بر لبه بزرگ سنت در مواجهه با تجدد، می‌تواند به مسائل جدید پیش‌روی سنت خویش بپردازد بدانگونه که دیگران پیش از این به ندرت بدان پرداخته و بسیار کمتر در این باب توفیق یافته‌اند. و سرانجام این واقعیت که تمامی این سخن‌گویان از حوزه مطالعات دانشگاهی (academic) بدانگونه که در غرب شکل گرفته است درباره سنت خویش می‌نویسند کارشان را بیش از پیش بی‌همتا می‌سازد.» (XI).

به هر روی، طی هفت شماره به معرفی هر یک از فصول کتاب خواهیم پرداخت و اطلاعاتی جامع و کلی در باب آن در اختیار خوانندگان محترم قرار خواهیم داد. یادآور می‌شود سبک نگارش، عیناً روایت تلخیص شده دیدگاههای نویسندگان است و بدیهی است این دیدگاهها در برخی موارد با مبانی اعتقادی اسلام سازگاری ندارد.



Our Religions ■
 Edited by Arvind sharma ■
 Harper Collins Publishers
 New york ■

سوریه، و مناطق پامیر و هندوکش افغانستان، پاکستان و تاجیکستان و نیز جماعت مهمی در کانادا که عمدتاً از مهاجران شرق آفریقا و هندیان تشکیل شده است. اسماعیلیان به دو شاخه تقسیم می‌شوند: یکی با تمرکز در هند، (پُره‌ها) و دیگری تحت رهبری آقاخان که امام تلقی می‌شود. آمار دقیق اسماعیلیان معلوم نیست، اما رویهم رفته چند میلیون نفر تخمین زده می‌شوند. زیدیان، که در میان مکاتب مختلف شیعی از حیث اعتقادی نزدیکترین گروه به سنیان به شمار می‌روند، در حدود ۳ یا ۴ میلیون نفرند که تقریباً همگی در یمن زندگی می‌کنند.

جدایی بین شیعه و سنی هنگام درگذشت پیامبر به وجود آمد، آنگاه که مسأله خلافت امری حیاتی شد. اکثریت جامعه [!] ابوبکر را به عنوان خلیفه برگزیدند در حالی که عده کمتری معتقد بودند، علی، پسر عمو و داماد پیامبر، باید خلیفه می‌شد. اما مسأله خلافت، عمیق‌تر از شخصیت‌ها بود. سنی‌ها معتقد بودند که کار خلیفه حفاظت از شرع، فعالیت به عنوان قاضی، و حکومت بر جامعه برای حفظ نظم عمومی و مرزهای جهان اسلام است؛ اما شیعیان بر آن بودند که خلیفه باید علاوه بر آن قادر باشد قرآن و شریعت را تفسیر کند و در واقع از علم باطنی [لدنی] برخوردار باشد که این امر می‌طلبید چنان شخصی، که امام نامیده می‌شود، از طرف خداوند و پیامبر و نه جامعه انتخاب شود. به اعتقاد آنان، امام در نبوت پیامبر شریک نیست، اما از قدرت معنوی باطنی پیامبر (ولایت) برخوردار است؛ چنین شخصی علی بن ابی‌طالب است که توسط پیامبر بدین منظور برگزیده شده است. بدینسان تشیع بسیار به اهل بیت پیامبر نزدیک است. علاوه بر آنچه گفته شد، امام شیعیان تنها حاکم مشروع جامعه اسلامی تلقی می‌شود و در نتیجه سه خلیفه نخست و نیز خلفای بعدی از سوی شیعیان پذیرفته نمی‌شوند. بدینسان دوازده امام شیعیان هم‌اکنون تمامی قدرت‌های سیاسی را که پس از ترور علی به حکومت رسیدند رد کرده‌اند. شیعیان بر آنند که دوازدهمین امام در پس پرده غیبت به سر می‌برد و روزی خواهد آمد تا عدل و صلح را در جهان حاکم سازد و این یکی از نشانه‌های رستاخیز و پایان زندگانی انسانی است.

نصر آنگاه به اختصار را واقعه عاشورا و شهادت امام حسین (ع) و اهمیت آن در فرهنگ شیعی را ذکر، از شیعه به عنوان یک جنبش سیاسی معترض یاد، و به عدم حاکمیت سیاسی آن جز در دوران صفویان - و پیش از آن، قاطمیان مصر - اشاره می‌کند. اما به دنبال آن

یادآور می‌شود که شیعه را نباید صرفاً به عنوان یک جنبش سیاسی تلقی کرد، بلکه شیعه دارای مکتب فقهی، کلامی، فلسفی و دیگر علوم اسلامی از جمله شیوه‌های تفسیری خاص خود است. نصر همچنین بازمی‌گوید که به رغم برخی رویارویی‌های سیاسی، و حتی نظامی، میان سنیان و شیعیان که قدرتهای غربی با سوءاستفاده از آن به استعمار کشورهای اسلامی در قرن هجدهم یا حتی قبل از آن پرداختند، این دو گروه بسیاری اوقات و در بسیاری مناطق با صلح و آرامش در کنار یکدیگر زیسته‌اند، خصوصاً از قرن گذشته که علمای هر دو گروه در پی یافتن عناصر مشترک میان سنیان و شیعیان برآمده‌اند. او آنگاه به دیگر تفاوت‌ها میان مسلمانان، از جمله تفاوت‌های فلسفی و کلامی و نیز تفاوت‌های فرقه‌ای و قومی (از جمله در میان مسلمانان سوریه و لبنان) اشاره می‌کند. سرانجام با اشاره به مفهوم کلیدی امت در اسلام بر کلیت مسلمانان تأکید می‌ورزد و می‌گوید که این واژه از همان ابتدا تمامی مسلمانان از گروه‌های مختلف قومی و نژادی را در بر می‌گرفته و هیچگاه نظریه قومیت یا نژاد یا فرهنگ خاصی نداشته است.

■ بخش دوم به گسترش و رشد جمعیتی اسلام می‌پردازد و پراکندگی جمعیتی مسلمانان در جهان را مشخص می‌سازد.

■ بخش سوم با اشاره به معنای دین در عربی، که به گفته برخی از اهل لغت و مفسران از دین به معنای بدهی گرفته شده است، بیان می‌دارد که دین در واقع بازپرداخت بدهی ما به خداوند است. برای یک مسلمان روشن‌ترین واقعیت و بزرگترین یقین این است که ما هیچیم و خدا همه چیز است، ما از خود هیچ نداریم

و همه چیز از خداست؛ چنانکه قرآن می‌گوید: «مردمان! شما نیازمندان (فقرا) به خداوندید و خداوند است که بی‌نیاز ستوده است (محمد، ۳۸). ازدیدگاه اسلامی، دین بخشی از زندگی همچون صنعت، اندیشه، تجارت، سیاست، و مانند اینها نیست، بلکه چارچوب و جهان‌بینی است که این امور و تمامی دیگر فعالیت‌ها، کوشش‌ها، آفرینش‌ها و اندیشه‌های انسان‌ها در آن شکل می‌گیرد یا باید شکل گیرد. اسلام یک دین به عنوان راه کامل زندگی است. اسلام حتی قلمروی خارج از قلمرو دین را نمی‌پذیرد؛ حتی واژه‌های secular و profane را نمی‌توان به زبان‌های اسلامی در شکل کلاسیک آنها ترجمه کرد، و ترجمه‌های امروزی آنها به «این دنیوی‌گونه بودن» برمی‌گردد که در برابر حقایق موجود در جهان دیگر (آخرت) قرار دارد. شخص می‌تواند «دنیوی» باشد، در جهانی کاملاً دینی که در آن دنیوی بودن نیز معنایی دینی دارد، اما نمی‌تواند در چنان جهانی «اسکولار» باشد - مگر اینکه ادعای استقلال حوزه مشخصی از زندگانی را از دین داشته باشد. اسلام اظهار می‌دارد که در دین هیچ‌گونه حقوق برون مرزی وجود ندارد و هیچ چیز نمی‌تواند به گونه‌ای مشروع خارج از سنت دینی و کاربرد اصول آن در فضا و تاریخ زمانی یک کلیت انسانی خاص وجود داشته باشد. بالاتر اینکه اسلام مدعی این کیفیت کاملاً فراگیرانه نه فقط برای خود، بلکه برای دین به طور مطلق است. در نتیجه دین باید تمام زندگانی را فراگیرد و بدینسان هر اندیشه و فعل انسانی باید سرانجام به خداوند برسد که سرچشمه همه چیز است.

گرچه اسلام این مفهوم همه فراگیرانه دین را داراست، احکام و تعالیم دین را بدانچه مربوط به زندگی

خصوصی و آنچه مربوط به حوزه عمومی است تقسیم می‌کند. این دو حوزه از یکدیگر جدا نیستند، بلکه همواره برار تباط متقابل آنها تأکید شده است. جنبه‌های خصوصی، تمامی امور مربوط به رابطه نزدیک درونی مرد و زن یا خداوند همچون دعا، نماز، ذکر، روزه و حج را در بر می‌گیرد. گرچه برخی از آنها از جنبه‌های عمومی قابل توجهی نیز برخوردارند. نصر آنگاه به اختصار مسأله حلال و حرام در خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، چگونگی ارتباط یک فرد با اعضای خانواده، و نیز جنبه‌های باطنی عبادت یک فرد می‌پردازد؛ در پی آن جنبه‌های اجتماعی دین از جمله نحوه برخورد با مسلمانان و غیر مسلمانان، فعالیت‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی را به گونه مختصر مورد بررسی قرار می‌دهد، و سرانجام بیان می‌کند که دین در فطرت بشر نهاده شده، تنها دین است که می‌تواند به زندگی معنا بخشد، و اسلام مطلقاً انسانیت بدون دین را نمی‌پذیرد.

• بخش چهارم تبیین بنیان‌های اسلام را برعهده دارد. قرآن، تجلی خدایی محوری در اسلام است: سخن خداوند که به توسط جبرئیل بر پیامبر نازل شده و او به اصحاب خود منتقل کرده است که آن را هم حفظ و هم ثبت می‌کردند. نصر آنگاه به جمع‌آوری قرآن در زمان عثمان، معنای واژه قرآن و دیگر نام‌های این کتاب، تعداد سوره و مکی و مدنی آنها، محتوای قرآن که به مسائل مختلف می‌پردازد، و قداست قرآن و آنچه مربوط بدان است نزد مسلمانان، علوم مختلف قرآنی همچون علم قرائت، اسباب النزول، علوم لغوی قرآن، تفسیر و گونه‌های آن، و ترجمه آن به دیگر زبان‌ها می‌پردازد.

اهمیت، زندگانی، و سنت پیامبر اکرم (ص) دومین امری است که نصر آن را مورد بررسی قرار می‌دهد و در این رابطه به قداست تام و مقامات والای آن حضرت از دیدگاه مسلمانان، عشق به آن حضرت، نام‌ها و القاب ایشان، تاریخ مختصر زندگانی حضرت با تأکید بر دوره ۲۳ ساله پیامبری، و احادیث منقول از پیامبر و سرگذشت حدیث در میان سنیان و شیعیان می‌پردازد.

• بخش پنجم بازگوکننده آموزه‌ها و اعتقادات

اسلامی است. خداوند و صفات و اسماء حضرتش، نبوت و وحی، عالم ملائکه، جایگاه انسان یا مرد و زن، عالم و رستاخیز موضوعاتی است که به تفصیل در این بخش بررسی شده است.

• بخش ششم به «شریعت» و مذاهب فقهی می‌پردازد. بحث با توضیح معنای شریعت و برخی اصطلاحات فقهی همچون واجب و حرام و ذکر مذاهب خمسسه آغاز می‌شود، به دنبال آن «طریقت» و تعالیم نظری و عملی صوفیان می‌آید، و آنگاه سه مرتبه «اسلام»، «ایمان» و «احسان» براساس روایت منقول از پیامبر اکرم (ص) در پاسخ به اعرابی توضیح داده می‌شود.

• بخش هفتم عهده‌دار بیان آداب عملی و مناسک اسلامی است و در آن ابتدا نماز، روزه، حج، زکات و جهاد و نیز سنن شیعی در بزرگداشت شهادت امام حسین (ع) و زیارت مراقد امامان (ع) و آنگاه به ترتیب اخلاق اسلامی، خانواده، کوچ نشینی و شهرنشینی، فعالیت اقتصادی و صنایع‌های صنعتگر، وقف، و نهادهای سیاسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

• بخش هشتم بازگوکننده تاریخ اسلام است و آن را براساس تقسیم به این دوره‌ها پی می‌گیرد: عصر پیامبر و خلفای راشدین، خلافت‌های کلاسیک: امویان (۴۰/۶۶۱ - ۱۳۲/۷۵۰) و عباسیان (۱۳۲/۷۵۰ - ۶۵۶/۱۲۵۸)، حکومت‌های محلی تا زمان هجوم مغول (فارس، آسیای مرکزی و ماوراءالنهر، سلجوقیان، مصر و سوریه؛ شمال آفریقا و اسپانیا)، هجوم مغول، دوران پس از هجوم مغول (عثمانیان، صفویان و مغولان و جانشینان آنان)، اسلام در دیگر نواحی (آفریقای سیاه، جنوب شرقی آسیا، و چین) و جهان اسلام در تاریخ معاصر.

• بخش نهم به توضیح مکاتب مختلف فکری اسلامی و تاریخ آنها اختصاص دارد و مکاتب کلام، مکاتب ماوراءالطبیعه و غنوصیگری (المعرفه)، و مکاتب فلسفی و عرفانی را معرفی و بررسی می‌کند.

• بخش دهم به بررسی اسلام درجهان معاصر

می‌پردازد و طی آن وضعیت اسلام سنتی، مهدویت‌گری، تجدید نظرطلبی و بنیادگرایی، و گرایش‌های تجدیدطلبانه را مورد بحث قرار می‌دهد.

• بخش یازدهم عهده‌دار بیان موضع اسلام نسبت به سایر ادیان است. نصر پس از بیان مواجهه‌های تاریخی اسلام با دیگر ادیان، به ذکر دیدگاه‌های فلسفی و کلامی اسلامی درخصوص اختلاف ادیان و ارتباط میان ادیان می‌پردازد و آنگاه به ترتیب دیدگاه فقهی در باب ادیان دیگر و اقلیت‌های دینی، مواجهه معاصر اسلام با دیگر ادیان هم در شرق و هم در غرب و اهمیت مطالعه اسلام برای مطالعات دینی را بررسی می‌کند.

• و سرانجام بخش دوازدهم اهمیت معنوی و دینی اسلام برای انسانیت امروز به گونه‌ای مستدل باز می‌گوید.

این فصل کتاب ۱۰ پی نوشت دارد، و در پایان آن مطالعه ۱۰ کتاب برای آگاهی بیشتر در باب اسلام توصیه شده است.

